

هفتاد سال پایداری

خاطرات حسین شاه حسینی

۱۳۶۰ - ۱۳۲۰ ش

جلد اول

به کوشش

امیر (بهر روز) طیرانی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

: طیرانی، امیر
: هفتاد سال پایداری: خاطرات حسین شاه حسینی ۱۳۶۰-۱۳۲۰ ش/به کوشش

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

امیر (بهرز) طیرانی.
: تهران: چاپش، ۱۳۹۴.
: ۸۲۴ ص.
: 978-600-6799-27-8: ۴۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی
یادداشت

: فیبا
: کتابنامه.

موضوع

: شاه حسینی، حسین، ۱۳۰۶ -- خاطرات

موضوع

: مبارزان سیاسی -- ایران -- خاطرات

موضوع

: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- خاطرات

: ۱۳۹۴ ط ۲ ش/۵/۱۵۳۴ DSR

: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲:

: ۴۰۳۳۶۷۲:

رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

بنام خدا



انتشارات چاپخش

هفتاد سال پایداری (خاطرات حسین شاه حسینی - ۱۳۶۰-۱۳۲۰ ش)

به کوشش: امیر (بهرز) طیرانی

طراح: پنجره - صفحه آرایی: غفاری

چاپ و صحافی: پژمان

چاپ اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۹/۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده و عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰ فاکس: ۶۶۴۹۳۴۷۵ صندوق پستی: ۱۷۳۷-۱۳۱۴۵

کلیه حقوق محفوظ است

ISBN:978-600-6799-27-8

شابک ۸-۲۷-۶۷۹۹-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
	فصل اول: تولد تا ورود به عرصه سیاسی
۲۷	بخش اول: دوران کودکی و تحصیل
۳۳	بخش دوم: فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی حاج شیخ‌زین‌العابدین شاه‌حسینی
۳۸	شرکت تعاونی حمام‌داران تهران
۳۹	آیت‌الله سیدحسن مدرس
۴۲	آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی
۴۴	آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی
۴۵	شریعت سنگلجی
۴۷	انتخابات دوره سیزدهم مجلس شورای ملی
۴۸	انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی
۵۳	انجمن خیریه عودلاجان
۵۳	بخش سوم: نهادهای مدنی، مذهبی و فرهنگی
۵۵	پاتوق و پاتوق‌داری
۵۹	پاتوق‌های سیاسی
۶۲	مساجد و هیأت‌های مذهبی تهران
۶۲	مسجد فخرالدوله
۶۶	مسجد امامزاده یحیی
۶۶	مسجد سلمان

۶۷	مسجد ارباب
۶۷	مسجد لاریجانی‌ها
۶۸	مسجد نایب
۷۰	مسجد بهرام
۷۰	مسجد معزالدوله
۷۱	مساجد بازار تهران
۷۲	مسجد مجد
۷۲	حسینیه سادات اخوی
۷۵	تکیه ضاقلی خان
۷۶	سینه جواهری
۷۶	هیأت‌های مذهبی تهران
۸۳	هیأت‌های مذهبی اصفهان
۸۷	هیأت حسینیه
۸۸	مسجد سراج‌الملک
۹۳	یادداشت‌های فصل اول

فصل دهم: در عرصه سیاست و اجتماع

۱۰۵	بخش اول: فعالیت احزاب در دهه ۱۳۰۰
۱۱۱	حزب اراده ملی
۱۱۲	حزب توده
۱۱۳	حزب ایران
۱۱۳	خدایرستان سوسیالیست
۱۱۵	حزب دمکرات ایران
۱۱۷	دوره پانزدهم مجلس شورای ملی
۱۱۸	ورزش
۱۲۹	ورزش باستانی
۱۳۰	انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی
۱۳۲	بازداشت در سال ۱۳۲۸
۱۳۸	احزاب و جمعیت‌ها
۱۴۲	یادداشت‌های فصل دوم

فصل سوم: ملی شدن صنعت نفت و حکومت دکتر مصدق

۱۵۵	بخش اول: ملی شدن صنعت نفت
۱۵۸	ترور رزم‌آرا
۱۵۹	بخش دوم: حکومت دکتر مصدق
۱۶۱	انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی
۱۶۴	قیام سی تیر

۱۷۱	سازمان کمک به خانواده شهدا
۱۷۲	از قیام ۳۰ تیر تا کودتای ۲۸ مرداد
۱۷۴	ماجرای نهم اسفند
۱۷۶	ماجرای قتل افشارطوس
۱۷۹	بخش سوم: کودتای ۲۸ مرداد
۱۹۶	یادداشت‌های فصل سوم

فصل چهارم: پس از کودتا، نهضت مقاومت ملی

۲۰۷	بخش اول: نهضت مقاومت ملی
۲۱۴	اقدامات نهضت مقاومت ملی
۲۱۶	اعتصاب ۳۰ مهر ۱۳۳۲
۲۱۶	تظاهرات ۱۰ آبان
۲۱۷	واقعه ۱۶ آذر
۲۲۶	بازداشت اعضای نهضت مقاومت
۲۳۱	نهضت مقاومت و معرکه سد و یارانش
۲۳۴	مسایل مالی نهضت مقاومت
۲۳۶	آیت‌الله زنجانی و دکتر مصدق
۲۳۸	پرداخت وجوهات شرعی همسر دکتر مصدق به آیت‌الله میلانی
۲۳۹	آیت‌الله زنجانی و خانواده زندانیان سیاسی
۲۴۰	وارطان سالاخانیان
۲۴۰	انتشارات نهضت مقاومت
۲۴۶	چگونگی توزیع نشریات
۲۴۶	شرکت تعاونی نهضت مقاومت
۲۴۷	شاخه نظامی نهضت مقاومت
۲۴۸	نهضت مقاومت ملی در مشهد
۲۵۰	حزب ملت ایران و نهضت مقاومت ملی
۲۵۰	هیأت علمیه تهران
۲۵۲	اختلاف در نیروی سوم
۲۵۲	مهندس بازرگان، دکتر سبحانی و نهضت مقاومت
۲۵۴	نهضت مقاومت ملی و آیت‌الله کاشانی
۲۵۶	نهضت مقاومت و برگزاری مجالس مذهبی
۲۵۷	کاهش فعالیت نهضت مقاومت
۲۵۷	جدایی حزب ایران از نهضت مقاومت ملی
۲۵۹	بخش دوم: آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی
۲۵۹	آیت‌الله زنجانی در زندان
۲۶۰	آیت‌الله زنجانی و دکتر حسین فاطمی

۲۶۱	زنجانى و نیروهای ملی
۲۶۲	زنجانى و مراجع تقلید
۲۶۴	آیت الله زنجانى و شریعتى
۲۶۷	بخش سوم: دکتر حسین فاطمى
۲۷۳	ترور و بازداشت
۲۷۷	شهادت دکتر فاطمى
۲۸۱	معرفى تعدادى از هواداران نهضت مقاومت
۲۸۱	دکتر سعید فاطمى
۲۸۲	سید مرتضى شبستری
۲۸۲	سید محمد عینکچی
۲۸۳	مشهدى اسماء کریم آبادی
۲۸۶	احمد توانگر
۲۸۷	محمد نخشب
۲۸۸	حسن میر محمد دقى
۲۹۰	کف بازار
۲۹۶	حاج تقى انورى
۲۹۷	حاج میرزا عباسعلی اسلامى
۲۹۸	حاج محمد حسین راسخ افشار
۳۰۰	علی شرف الاسلامى
۳۰۱	ارباب زین العابدین
۳۰۱	حاج میرزا جواد حاج حسن
۳۰۴	نماز عید فطر
۳۰۶	یادداشت های فصل چهارم

فصل پنجم: جبهه ملی دوم

۳۱۹	بخش اول: از تأسیس تا کنگره
۳۲۲	فعالیت های تشکیلاتی در حوزه های جبهه ملی
۳۲۳	سازمان های شهرستان تهران
۳۲۳	سازمان محلات جبهه ملی دوم
۳۲۵	سالگرد شهادت سى ام تیر
۳۲۵	انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی
۳۲۶	تحصن در مجلس سنا
۳۲۷	فوت مرحوم نریمان
۳۳۴	درگذشت آیت الله بروجردى
۳۳۵	شهادت دکتر ابوالحسن خانعلی
۳۳۶	تشییع جنازه مرحوم دکتر خانعلی

۳۳۷	دولت امینی
۳۴۱	جبهه ملی ایران و نهضت آزادی
۳۴۲	میتینگ جلالیه
۳۴۴	سیل جوادیه
۳۴۶	واقعه اول بهمن ۱۳۴۰
۳۴۷	تظاهرات در دانشگاه تهران
۳۴۹	جبهه ملی، تختی و زلزله بوین زهرا
۳۵۰	مناطق آسیب دیده بوین زهرا بر اثر زلزله
۳۵۳	بخش دوم: کنگره جبهه ملی
۳۵۵	انتخابات
۳۵۶	افتتاح سنگ
۳۶۱	بازداشت
۳۶۶	پیشنادهای صنی زاده به جبهه ملی
۳۶۸	محکومیت اعضای نهضت آزادی
۳۷۱	یادداشت های فصل پنجم
مجموعه: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۴۲	
۳۷۹	بخش اول: جبهه ملی سوم
۳۸۰	اتحاد نیروهای جبهه ملی
۳۸۱	تحلیل ملکی
۳۸۱	جبهه ملی و ورزشکاران
۳۸۳	جبهه ملی و روحانیت
۳۸۴	حاج اسماعیل رضایی
۳۸۵	حاج اسماعیل رضایی و تهیه منزل برای خانواده های نیازمند
۳۸۵	حاج اسماعیل رضایی در جلسه دادگاه
۳۹۲	احداث مسجد صاحب الزمان (عج)
۳۹۴	طیب حاج رضایی
۳۹۶	طیب و انتخابات صنف قهوه چی تهران
۳۹۸	دگرگونی طیب
۴۰۵	شعبان جعفری
۴۱۱	استوار ساقی
۴۱۶	فعالیت های جبهه ملی در سال های ۱۳۴۲ - ۵۵
۴۱۷	در گذشت دکتر مصلوق
۴۲۲	مبارزات مسلحانه
۴۲۵	تختی
۴۳۴	فعالیت های سیاسی تختی

۴۴۲	تختی و طالقانی
۴۴۲	فوت
۴۴۷	پس از تختی
۴۴۸	زندگی مشترک
۴۵۶	طالقانی و مسجد هدایت
۴۶۰	دکتر شریعتی
۴۶۳	فعالیت‌های دیگر
۴۶۴	تشکیل جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر
۴۶۸	ماجراهای کاروانسرای سنگی
۴۷۰	بشیر: میلاد امام رضا (ع)
۴۷۱	اتحاد نیروها، جبهه ملی
۴۷۲	همکاری اتحاد نیروهای جبهه ملی با نیروهای مذهبی
۴۷۳	سفر دکتر سید جی به پاریس
۴۷۷	پیشنهاد شاه به بنابر
۴۷۹	پذیرش پست نخست‌وزیرین شاه در بختیار
۴۸۲	کمیته استقبال
۴۸۵	پیروزی انقلاب
۴۸۵	استقبال از یاسر عرفات
۴۹۱	یادداشت‌های فصل ششم

فصل هفتم: سازمان قیامت بدنی

۵۰۹	بخش اول: انتصاب و شروع به کار
۵۲۴	باشگاه‌های ورزشی
۵۲۵	دهکده المپیک
۵۳۱	بخش دوم: ماجرای غیبت آیت‌الله سید محمود طالقانی
۵۴۳	فوت آیت‌الله طالقانی
۵۴۷	بخش سوم: حضور ایران در مسابقات جهانی
۵۵۳	یادداشت‌های فصل هفتم

فصل هشتم: روحانیون و فعالین سیاسی

۵۶۱	بخش اول: روحانیون
۵۶۱	آیت‌الله سید احمد خوانساری
۵۶۲	آیت‌الله حاج سید رضا زنجانی
۵۶۴	دیدار حاج سید رضا زنجانی با بنی صدر
۵۶۷	آیت‌الله سید ابوالفضل زنجانی
۵۷۲	حاج سید ابوالفضل زنجانی و آیت‌الله طالقانی
۵۷۵	حاج آقا سید ابوالفضل زنجانی و موضوع وجوهات

۵۷۸		امام موسی صدر
۵۸۰		شیخ باقر نهاوندی
۵۸۲		جلالی موسوی
۵۸۳		صدر بلاغی
۵۸۴		حاج سید مهدی سیدقوام
۵۸۶		شیخ علی اصغر مروارید
۵۸۹		بخش دوم: فعالان سیاسی
۵۸۹		دکتر مهدی آذر
۵۹۱		طاهر احما زاده
۵۹۳		ادیب برومند
۵۹۵		علی ارسلان
۶۰۱		پروانه اسکندی
۶۰۶		حسین اعرابی
۶۰۶		احمد انواری
۶۰۹		دکتر بهروز برومند
۶۱۱		اصغر پارسا
۶۱۲		دکتر نور علی تابنده
۶۱۴		اصغر تهرانچی
۶۱۵		روح الله جیره بندی
۶۱۶		اصغر حاج بابا
۶۱۹		مهندس کاظم حسینی
۶۲۳		حسن خرمشاهی
۶۲۴		حبیب الله ذوالقدر
۶۲۶		عباس رادنیا
۶۲۹		حسین راضی
۶۳۰		بهمن رضاخانی
۶۳۱		عزت الله سجایی
۶۳۲		حسین سکاکی
۶۳۳		عباس سمعی
۶۳۴		دکتر کریم سنجایی
۶۳۸		خسرو سیف
۶۳۹		محمد شانه چی
۶۵۱		مصطفی شعاعیان
۶۵۲		موسی شیخ زادگان
۶۵۵		حاج احمد صادق

۶۵۷		اللهیار صالح
۶۶۰		احمد صدر حاج سید جواد
۶۶۲		حاج علی صدری
۶۶۳		دکتر غلامحسین صدیقی
۶۷۳		احمد علی بابایی
۶۸۱		مهدی غضنفری
۶۸۲		جلال غنی زاده
۶۸۳		حسن فرحبخش
۶۸۴		دانشیار فرشید
۶۹۰		ابوالفضل قاسمی
۶۹۳		حاج حسن قاسمی
۶۹۴		عبدالله کریمی
۶۹۶		ابراهیم کریمی
۷۰۲		ناصر کلاری
۷۰۳		ناصر کمیلیان
۷۰۴		حسن لباسچی
۷۰۶		قاسم لباسچی
۷۰۷		حاج محمود لباف
۷۰۸		جواد مادرشاهی
۷۰۹		حاج محمود مانیان
۷۱۱		عبدالله معظمی
۷۱۳		حاج حسن ملی
۷۱۴		هادی موتمنی
۷۱۵		مهندس نظام‌الدین موحد
۷۱۶		حسین نایب حسینی
۷۲۰		محسن نجمی
۷۲۰		حسن هادی فر
۷۲۲		پرویز ورجاوند
۷۲۴		یادداشت‌های فصل هشتم
۷۴۱		اسناد و تصاویر

فهرست‌ها

۷۸۹		اشخاص
۸۱۱		جای‌ها و مکان‌ها
۸۲۱		احزاب، گروه‌ها و سازمان‌ها
۸۲۷		نشریات و کتابها

مقدمه

قال امیرالمومنین علی(ع): «یا بُنَّی و ان لم اکن عمرتُ من کان قبلی فقد نظرت فی اعمارهم و فکرت فی اخبارهم و سرت فی آثارهم حتی عدت کاحدهم: [ای فرزندم، گرچه من در میان پیشینیان نزیسته‌ام ولی آن‌چنان در زندگانی آنها نظر کرده و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در آثارشان جستجو کرده‌ام که گویی یکی از میان آنها بوده‌ام]» (نهج‌البلاغه - از وصیت امام علی(ع) به فرزندشان امام حسن مجتبی(ع))

ثبت و ضبط خاطرات ایام، سستی پسندیده اما نه چندان رایج در میان ما ایرانیان به شمار می‌رود. مقایسه میان آثاری همچون سفرنامه‌ها، شرح خاطرات و روزنوشت حوادث عمر و زندگینامه‌هایی که سیاستمداران، اهل ادب و هنرمندان در ممالک دیگر نگاشته‌اند با آثاری از این دست که هموطنان ما بر جای نهاده‌اند، حکایت از کمبود این گونه آثار و کم‌توجهی ما به این موضوع دارد. در این میان سیاستمداران که همواره منشأ و یا شاهد و ناظر بسیاری از امور بوده‌اند، بیشتر در نظر هستند، چرا که تجربه افرادی که تصمیمات و عملکرد آنها بیشتر در حوزه شخصی و غیر عمومی بوده است، طبیعتاً کمتر در سطح کلان تأثیر گذار است. گرچه حتی آن تجربه‌ها هم در جای خود ارزشمند و قابل استفاده می‌باشد.

علل و عوامل متعددی در این باره دخیل است که چرا به‌رغم تأکیدات فراوانی

که در فرهنگ و باورهای عرفی و دینی ما در خصوص ضرورت بهره‌گیری از تجربیات پیشینیان و اتفاقات و رخداد‌های گذشته شده است، ما و به ویژه بزرگانمان در عرصه سیاست، ادب، اقتصاد و فرهنگ به این مهم کمتر روی خوش نشان داده‌اند. یکی از موجبات کم‌علاقگی به ثبت و ضبط وقایع، ناامنی مزمن ناشی از حاکمیت استبداد بوده است که همواره افراد از سر نگرانی برای آینده و سرنوشت خود یا فرزندانشان از ثبت حوادث، وقایع و موضوعاتی که در آن‌ها سهمیده یا از آن‌ها مطلع بوده‌اند، پرهیز می‌کرده‌اند. هراس از دستیابی کسانی که علاقه زیادی به دست یافتن اطلاعات در گراز برای روز مبادا دارند و احیاناً از آن‌ها برای رسیدن به مقاصد ویژه ای سود می‌جویند نیز یکی از دلایل پرهیز از نوشتن و گفتن بوده است.

علاوه بر پرهیز افراد از بیان و نگارش خاطرات و عملکرد یا مشاهدات خود، به فروتنی و تقوا و فری آن‌ها بازمی‌گردد. این عامل بیشتر در میان کسانی که عمری را در راه مبارزات سیاسی گذرانده و بابت این فعالیتها هزینه‌های فراوانی اعم از زندان و شکنجه و از دست دادن، زندان، دوستان و همراهان و یا اموال را تحمل کرده‌اند وجود دارد. این دسته با این استدلال که تلاش ما نه به قصد رسیدن به نام و نان و جاه و مال و مقام، بلکه به قصد خدمت به مردم و پیهن و یا به اصطلاح مذهبی قربۀ الی‌الله بوده است، بازگویی آن موارد را نوعی ریا در شبح مخالف با اهداف معنوی خود تلقی می‌کنند.

با این همه اهمیت موضوع آن چنان آشکار است که در چند دهه اخیر مشاهده می‌کنیم این شیوه به تدریج در نزد ما نیز در حال جا افتادن است. انتشار وزنوشت‌های بعضی از رجال سیاسی رژیم گذشته و همچنین سیاستمداران خونریز نوید بازشدن نگرش جدیدی در این زمینه است.

از سوی دیگر به موازات رواج نگرش فوق، اتفاق دیگری در این مقوله در سه دهه اخیر با روند روبه رشدی آغاز شده است که در ثبت و ضبط وقایع و حفظ تجربیات تاریخی می‌تواند مؤثر و باارزش باشد. این اتفاق همان است که تاریخ شفاهی (oral history) خوانده می‌شود. این شیوه که در تاریخ‌نگاری نسبت به شیوه کتابت و نگارش تاریخ بسیار نو و یا جدید محسوب می‌شود، برای نخستین بار در مورد تاریخ ایران به همت حبیب‌لاجوردی در «پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد» به اجرا

درآمد. در این طرح با عده ای از دست‌اندرکاران سیاسی - اجتماعی و فرهنگی رژیم گذشته و نیز گروهی از کسانی که به هر علت بعد از انقلاب از کشور خارج شده بودند، مصاحبه شده که به روشن شدن زوایای تاریک بسیاری کمک می‌کند.

انجام این طرح موجب شد تا از اوایل دهه ۱۳۷۰ تاریخ شفاهی در داخل ایران نیز مورد توجه فراوانی قرار بگیرد و علاوه بر محققان و تاریخ‌نگارانی که در گذشته به صورت پراکنده، فردی و موردی به گفت و گو با شخصیت‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون می‌پرداختند، نهادها و سازمان‌های متعددی در این زمینه شروع به فعالیت کنند که حاصل کار بسیاری از آنها در قالب کتاب منتشر شده است.

انتشار این قبیل خاطرات و به یادمانده‌ها سبب شد تا بسیاری از کسانی که بنا به دلایل متعدد موافق بیان خاطرات خود نبودند، ضرورت و لزوم بازگویی خاطرات آن‌را بیش از پیش احساس کردند. ونسبت به این کار اهتمام ورزند.

آنچه در کتاب حاضر از نظر خوانندگان می‌گذرد نیز در همین زمینه است. گوینده خاطرات، آقای حسین شاه‌حسینی فرزند حاج شیخ زین‌العابدین شاه‌حسینی نوری متولد ۱۳۰۶ شمسی در محدوده سرچشمه تهران کوچه میرزا محمود وزیر است. او که اکنون هشتاد و هشتمین بهار عمرش را پشت سر گذاشته است، بعد از بارها اصرار و پیگیری دوستان و تأکید بر اهمیت بازگویی خاطرات و به یادمانده‌های خود حاضر به انتشار آنها شد.

شاه‌حسینی فعالیت سیاسی را از دوران نوجوانی آغاز کرده است. ورود وی به محافل سیاسی نخست از طریق همراهی با پدر شروع شد که او نیز در راه مبارزه با استبداد در دوران پهلوی اول، بخشی از بینایی‌اش را از دست داد. آقای شاه‌حسینی با وجود این که در آستانه ۹۰ سالگی است و نزدیک به هفتاد سال از درگذشت مرحوم پدرش می‌گذرد، هنوز از تأثیر تربیت او و درس‌هایی که از روش و منش و دانش وی آموخته است، سخن می‌گوید و شکل‌گیری شخصیت خود را مدیون آموزه‌های او می‌داند.

شاه‌حسینی بعد از مرگ پدر در حالی که هنوز در میانه دومین دهه عمر خویش بود، به صحنه سیاسی - اجتماعی کشور وارد شد. در سالهای اول بیشتر با حضور در محافل مذهبی - سیاسی نظیر جلسات منزل و مسجد آیت‌الله کاشانی و همچنین از راه

ارتباط با آیت الله شیخ حسین لنگرانی و تا حدودی هم ارتباط با مرحوم محمد نخشب و «جمعیت خدایپرستان سوسیالیست» تلاشهای اجتماعی خود را آغاز و دنبال کرد. در اواخر دهه ۱۳۲۰ با شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت و به صحنه آمدن دکتر محمد مصدق، جهت گیری های سیاسی شاه حسینی نیز به تدریج سمت و سوی دیگری پیدا کرد. آشنایی و شناخت شاه حسینی از دکتر مصدق به دوره انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بازمی گشت که نخستین انتخابات آزاد بعد از شهریور ۱۳۲۰ محسوب می شد. در آن دوره منزل مرحوم شیخ زین العابدین شاه حسینی واقع در کوچه میرزا محمود وزیر به اصطلاح امروز از ستادهای انتخاباتی نیروهای تحول خواه ملی به شمار می رفت. در طول مدتی که نیروهای سیاسی خود را برای شرکت در انتخابات آماده می کردند و جلسات متعدد برای نحوه حضور و انتخاب نامزدهای انتخاباتی و تبلیغات و مسائل حاشیه ای آن در جریان بود، حسین شاه حسینی پانزده ساله نیز در کنار پدر و مادر و برادر حضور داشت و از این طریق با شخصیت های مختلف سیاسی همچون دکتر مصدق، مؤتمن الملک، سید محمدصادق طباطبایی و... آشنا شد. بنابراین هنگامی که در سال ۱۳۲۱ بار دیگر دکتر مصدق در صحنه حاضر شد و در انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی از تهران داوطلب نمایندگی مردم شد، شاه حسینی نیز انگیزه دوچندانی برای حضور در صحنه پیدا کرد.

در آن سالها نام مصدق به خاطر سوابق مبارزات سیاسی وی و به ویژه نطق ها و تلاشهایی که در دوره حضور به عنوان نماینده اول تهران در مجلس چهاردهم انجام داده بود و مبارزه در برابر امثال سید ضیاء الدین طباطبایی و نیز در موضوع نفت بر سر زبانها بود و نیروهای ملی و ترقی خواه به سوی وی گرایش پیدا کردند. علاوه بر آن تلاشهای سیاسی دکتر مصدق در جریان برگزاری انتخابات دوره پانزدهم و تحصن او و همراهانش در دربار بر اعتبار وی افزوده بود. با این ویژگی ها هنگامی که در جریان برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مصدق و همراهانش قصد ورود به انتخابات کردند و به منظور جلوگیری از تکرار وقایع پیشین که در انتخابات معمول بود و تقلب دربار و مقامات دولتی، سازمان نگهبانان آزادی انتخابات را تشکیل دادند، نیروهای ملی و مذهبی که دغدغه آزادی و استقلال ایران را داشتند، برای محافظت از صندوقهای رأی و جلوگیری از تقلب و ورود غیرمنتخبین مردم

به آن پیوستند. براساس دفتر ثبت نام سازمان نگهبانان آزادی انتخابات بیش از سه هزار نفر در سازمان مزبور ثبت نام کرده بودند. در آن سازمان علاوه بر نیروهای ملی که طرفداران دکتر مصدق، دکتر بقایی، حسین مکی و... از آن جمله بودند، نیروهای مذهبی و از جمله اعضای مجمع مسلمانان مجاهد، فدائیان اسلام و پیروان و هواداران آیت الله کاشانی هم عضویت داشتند. در میان اعضای آن سازمان به نامهایی همچون علی اردلان، حسین شاه حسینی، خلیل طهماسبی، ابراهیم کریم آبادی، حاج مهدی عراقی برمی خوریم که بعدها هر یک در دوره خود سهم و نقشی در مبارزات برعهده داشتند.

چندی بعد از برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مجلس و همکاری شاه حسینی با سازمان نگهبانان آزادی انتخابات و به دنبال ترور عبدالحسین هژیر - وزیر دربار - به دست سید حسین امینی از اعضای فدائیان اسلام، عده زیادی از فعالان سیاسی بازداشت و زندانی شدند. در این میان حسین شاه حسینی نیز که در آن زمان ۲۲ ساله بود روانه زندان شد. شاه حسینی از زندان را به رغم جوانی و با آنکه اولین تجربه اش در این خصوص محسوب می شد با ایستقامت و پایداری گذراند. به گفته خود او مرحوم مادرش که سختی ها و دشواری های زیادی را در دوران بازداشت های مرحوم شیخ زین العابدین تحمل کرده و دم بریاورده بود. در جریان این بازداشت با بازگویی آنها و اینکه پدرش بینایی خود را در این راه از دست داده، از او می خواهد که از ادامه این راه دست بردارد؛ ولی حسین ۲۲ ساله با همه احترامی که برای مادرش قائل بود ترک شیوه نکرد و همواره در طول زندگی بر همان راه و پیگیری همان هدف باقی ماند.

شاه حسینی در دوران ملی شدن صنعت نفت و به دنبال تشکیل حکومت ملی دکتر مصدق به تلاش برای تحکیم این هدف و حکومت برخاسته از دل آن کوشید. در این دوره وی و سایر نیروهای ملی در بازار تهران در قالب «جامعه اصناف و بازرگانان» یکی از تشکلهای عمده و مؤثر حامی دولت مصدق به شمار می رفتند. فعالیتهای تشکلهایی همچون جامعه اصناف و بازرگانان و اعضای آن به ویژه بعد از قیام سیام تیر ۱۳۳۱ و جدایی تدریجی بخشی از نیروهای طرفدار نهضت ملی و دکتر مصدق (همچون بقایی، آیت الله کاشانی، حسین مکی و طرفدارانشان) اهمیت بیشتری

پیدا کرد. در این دوره که از تابستان ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را شامل می‌شد، طرفداران نهضت ملی علاوه بر مبارزه و مقابله با دشمنان پیشین (یعنی دربار، آمریکا، بریتانیا و عوامل داخلی آنها و حزب توده)، می‌بایست تبلیغات و توطئه‌های دوستان و همراهان گذشته خود را نیز خنثی سازند. توطئه‌هایی که دست کمی از توطئه‌های دشمنان نشاندار پیشین نداشت.

پیروزی کودتاچیان و سرنگونی دولت قانونی مصدق، علاوه بر تغییرات سیاسی در ایران، جوّی از ناامیدی و یأس ناشی از شکست بر نیروهای سیاسی پدید آورد. بسیاری یا بازداشت شدند و یا از ترس بازداشت، مخفی شدند و خلاصه در ظرف مدت کمی نه از تاک، نشان ماند و نه از تاکشان.

اما با فاصله که تاهی به همت آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، بار دیگر پرچم مبارزه افراشته شد. زنجانی که از جمله علمای برجسته تهران و از حامیان پر و پا قرص مصدق به شمار می‌رفت، دوران مبارزات مردم برای ملی شدن نفت و سپس در دوران حکومت ۲۸ ماهه مصدق از عناصر اصلی هیأت علمیه تهران بود که نقش مؤثری در بسیج مردم در حمایت از تارشهای استقلال‌طلبانه برعهده داشت. وی بلافاصله بعد از سرنگونی دکتر مصدق، با فراخواندن چند تن از کسانی که از آنها شناخت داشت، مبارزه با کودتاچیان را با شعار «نهضت ادامه دارد» آغاز کرد. یکی از آن سه تن که در نخستین شب پخش اعلامیه حاج سیدرضا را همراهی کردند، حسین شاه‌حسینی بود که به همراه عباس رادینا و ناصر رادالحفاظی در کوچه پس‌کوچه‌های مرکز تهران اعلامیه پخش کردند.

آیت‌الله زنجانی اقدام خود در مقابله با نیروهای نشسته بر قدرت از سوی بیگانه را با فراخوان از نیروهای هوادار مصدق و تأسیس «نهضت مقاومت ملی» پی گرفت. از این زمان به بعد شاه‌حسینی تا سی سال بعد که حاج سیدرضا زنجانی از دنیا رفت، همواره در کنار او بود و به مثابه یک نیروی امین و مطمئن و وفادار به انجام وظایف ملی پرداخت. نهضت مقاومت ملی به مثابه نوری در تاریکی و شمع در ظلمت شب استبداد بعد از کودتا درخشید و این ممکن و میسر نشد، مگر به همت و پایداری و کوشش افراد فداکار و معتقدی که شاه‌حسینی نیز یکی از آنها بود. شاه‌حسینی در لابلای خاطرات خود همواره بر آن است تا با ذکر خاطره از دوستانی که با نهضت

مقاومت ملی همکاری داشتند، یاد و نامشان را زنده کند.

شاه‌حسینی در جریان فعالیت در نهضت مقاومت دو بار بازداشت و زندانی شد. بار اول در همان سال ۱۳۳۲ و بار دیگر به همراه آیت‌الله زنجانی در سال بعد. مدتی را نیز به توصیه آیت‌الله زنجانی برای مصون ماندن از بازداشت، در روستایی در حوالی شهر ساوه گذراند. در سال ۱۳۳۶ نیز بار دیگر مخفی و فراری شد. در دوران نهضت مقاومت، شاه‌حسینی در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کرد. در این دوران او مسئولیت «ازمان محلات و بازار نهضت مقاومت ملی را برعهده داشت و با تشکیل حوزه‌ای، وظایف و پخش نشریات و اعلامیه‌ها نقش مؤثری داشت. یکی دیگر از وظایف وی در آن دوران ایجاد ارتباط میان آیت‌الله زنجانی و کسانی همچون دکتر معظمی و دکتر سنجابی و کمیته «مختلف نهضت مقاومت و از جمله کمیته حقوقی در جریان برگزاری دادگاه دکتر مصدق بود. دو بار دیدار با دکتر مصدق و رساندن نامه آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی به او و نامه احمدآباد در همین راستا صورت گرفت. علاوه بر این، او وظیفه رسیدگی به عده‌ای زندانیان (اعم از ملی، مذهبی و چپ) را برعهده داشت. آقای شاه‌حسینی در خاطرات خود به بعضی از این موارد اشارتی کرده است.

با تشکیل «جبهه ملی دوم» در سال ۱۳۳۹ شاه‌حسینی نیز به آن پیوست. شروع فعالیت مجدد یاران مصدق که در آن زمان در تبعید در قاهره احمدآباد بود و حضور اللهیار صالح، دکتر صدیقی، کاظمی و... در جبهه ملی، برای هواداران مصدق و نهضت ملی جای تردید باقی نمی‌گذاشت و به همین خاطر تقریباً همه افراد شاخص و حتی کمتر مطرح هوادار به آن پیوستند. در این دوره شاه‌حسینی مسئولیت «سازمان محلات جبهه ملی ایران» و نیز گویندگی «حوزه بانوان جبهه ملی» را برعهده داشت. وی در این دوران نیز بازداشت و مدتی را در زندان گذراند. در جریان انتخاب نمایندگان حوزه بانوان سازمانهای جبهه ملی برای شرکت در کنگره، شاه‌حسینی مسئول برگزاری انتخابات حوزه بانوان بود. در کنگره جبهه ملی که در دی ماه ۱۳۴۱ در منزل حاج حسن قاسمیه در تهران پارس برگزار شد، شاه‌حسینی حضور فعال داشت و از سوی نمایندگان حاضر در کنگره به عنوان

یکی از سی و پنج عضو شورای جبهه ملی ایران برگزیده شد و بعد از آن در جریان بازداشت گسترده نیروهای ملی به همراه سایر رهبران و فعالان جبهه ملی و نهضت آزادی بازداشت و بار دیگر در زندان قزل قلعه میهمان استوار ساقی - رئیس زندان - شد. بازداشتی که تا شهریور ۱۳۴۲ ادامه یافت.

بعد از آزادی، به رغم خفقان حاکم بر فضای سیاسی ایران و نیز تعطیلی فعالیتهای جبهه ملی، شاه‌حسینی فعالیت سیاسی خود را ادامه داد. از این زمان به بعد، ارتباط وی با فعالان سیاسی و از جمله افراد مذهبی افزایش پیدا کرد و در بهمن ماه ۱۳۴۰ به دفعات از سوی ساواک احضار و بازجویی شد و یک بار دیگر بازداشت شد. در آن سالها درگذشت دکتر مصدق در اسفند ۱۳۴۵ و سپس درگذشت نابنگام غلامرضا تختی در سال بعد، ضربات طاقت‌فرسایی برای او به شمار می‌رفت.

ارتباط با فعالان سیاسی و از جمله اعضای سازمان مجاهدین خلق و روحانیون مبارز، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای نیروهای سیاسی و خانواده زندانیان سیاسی از جمله فعالیتهای وی در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود. در همین دوران باغ حسین شاه‌حسینی در جاده مردآباد کرج (شاهدشت) محل برگزاری جلسات، برگزاری نمازهای عید فطر بود؛ جایی که بسیاری از فعالان سیاسی و مذهبی و از جمله روحانیون مبارز بارها و بارها در آنجا گرد هم آمدند.

شاه‌حسینی در سالهای میانی دهه ۱۳۵۰ با شرکت در عیایتهای حسینیه ارشاد، تأسیس «جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر»، اتحاد نیروهای مذهبی ملی، کمیته استقبال از امام و برگزاری جلسات مختلف سیاسی مذهبی همواره یکی از افراد مؤثر در آن به شمار می‌رفت. برگزاری مراسم عید فطر در باغ حسین گلزار در اول آذر ۱۳۵۶ یکی از آن دست مراسم بود که شاه‌حسینی به همراه داریوش فروهر و چند تن دیگر از دوستانش در برپایی آن نقش داشت. در جریان برگزاری آن مراسم چماق به‌دستان رژیم، به حاضران حمله کردند و شاه‌حسینی سخت مضروب و مجروح شد و مدتی را در بستر سپری کرد.

شاه‌حسینی که در کمیته استقبال از امام خمینی به عنوان مسئول تدارکات و نیز محافظت از بخشی از فرودگاه در روز ۱۲ بهمن تعیین شده بود، بعد از ورود رهبر

انقلاب به علت فشار جمعیت دچار حمله قلبی شد و از آنجا به بیمارستان منتقل شد. بعد از مرخص شدن از بیمارستان، به مدرسه علوی رفت و در آنجا فعالیتهای خود را از سر گرفت.

شاه‌حسینی از دوران جوانی و در کنار تحصیل به ورزش نیز روی آورد. و همزمان در سه رشته ورزشی والیبال، بسکتبال و فوتبال به فعالیت پرداخت و به موفقیت‌هایی نیز در این رشته‌ها دست یافت.

وی علاوه بر سه رشته فوق از اواخر دهه ۱۳۲۰ و با آغاز فعالیت ورزش رگبی در ایران به عضویت تیم ملی رگبی ایران انتخاب و کاپیتان تیم شد.

شاه‌حسینی از همان زمان یعنی از اواخر دهه ۱۳۲۰ به مدیریت ورزشی نیز روی آورد و در بسگاه رستان ورزش به همراه حسین جبارزادگان به تربیت جوانان همت گماشت و به اصطلاح تیم‌داری کرد.

اما رژیم شاه که از فعال‌های سیاسی وی آگاه بود بعد از چندی فعالیت وی را در عرصه ورزش ممنوع کرد. نتیجه از اواسط دهه ۱۳۳۰ تا پایان عمر رژیم پهلوی، وی جز به عنوان تماشاگر حق حضور در میادین ورزشی را نداشت.

حضور در صحنه ورزش و آشنایی با مسائل و مشکلات ورزش موجب شد تا بعد از پیروزی انقلاب، مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت، وی را برای تصدی امر ورزش کشور، در نظر بگیرد.

شاه‌حسینی بعد از پیروزی انقلاب، ابتدا از سوی مهندس بازرگان به منظور رسیدگی به اموال برجای مانده از عوامل رژیم سابق به کرج و مأموریت آن سامان عزیمت کرد. در همان هنگام و در حالی که مشغول رسیدگی به امور محوله بود، به تهران احضار و از سوی نخست‌وزیر به ریاست سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک منصوب گردید تا سازمان ورزش کشور را بار دیگر سر و سامان دهد.

شاه‌حسینی تا شهریور ۱۳۵۹ در آن سمت باقی ماند. در دولت شهید رجایی با آنکه مرحوم رجایی علاقه خود به همکاری با ایشان را اعلام داشته بود، شاه‌حسینی به دلیل شرطی که برای ادامه همکاری ایشان مطرح شده بود از ادامه همکاری با دولت کناره گرفت. وی در مرداد ۱۳۶۰ نیز از ریاست کمیته ملی المپیک استعفا داد. از آن پس فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خود را به صورتی دیگر پی گرفت.

در طول سالهای بعد از انقلاب، شاه‌حسینی با همکاری دوستان و همفکران و یاران خود، تشکلهایی همچون هیأت حسن نیت، جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران را تأسیس و به فعالیت پرداخت. وی در اوایل دهه ۱۳۷۰ در تأسیس جمعیت تلاشگران آزادی انتخابات، به همراه مهندس عزت‌الله سحابی، مهندس علی‌اکبر معین‌فر، دکتر ابراهیم یزدی و دیگران نقش داشت.

با شروع فعالیت‌های جبهه ملی در میانه دهه ۱۳۷۰، شاه‌حسینی به عنوان یکی از بازمانده‌گان شورای جبهه ملی منتخب کنگره، از سوی اعضای جبهه ملی به عنوان نایب رئیس شورای جبهه ملی ایران انتخاب شد. همچنین بعد از تأسیس شورای ائتلاف نیروهای ملی، از سوی مهندس عزت‌الله سحابی، به همکاری با این شورا دعوت شد. در کنار عضویت در جبهه ملی با آن شورا نیز به همکاری پرداخت.

در طول سالهای بعد از انقلاب شاه‌حسینی دو بار به دلیل تأسیس و عضویت در جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی در سال ۱۳۶۷ و بار دیگر به دلیل امضای نامه معروف به نامه نود امضایی، درباره جهت‌گیری‌های اقتصادی کشور به رییس جمهور وقت بود، در سال ۱۳۶۹ بازداشت و زندانی شد.

بعد از وقوع فاجعه «قتل‌های زنجیره‌ای»، شاه‌حسینی به عنوان یکی از اعضای «کمیته دفاع از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای» فعالیت پرداخت.

بعد از درگذشت دکتر مصدق، مسئولیت حفظ و نگهداری آرامگاه ایشان در سال ۱۳۶۵ از سوی مرحوم دکتر غلامحسین مصدق و نائب‌الرئیس‌الجمهور وقت، آیت‌الله محمدآباد برعهده هیأت متولیان قلعه احمدآباد قرار داده شد که آقای شاه‌حسینی نیز یکی از اعضای آن است. در طول نزدیک به نیم قرن پس از درگذشت دکتر مصدق، زنده نگاه داشتن نام و خاطره دکتر مصدق همواره یکی از دل‌مشغولی‌های حسین شاه‌حسینی بوده است.

شاه‌حسینی همچنان که در متن خاطراتش می‌خوانیم، همواره بر این نکته تأکید دارد که تلاش سیاسی - اجتماعی را به عنوان یک وظیفه الهی همچون سایر احکام و عبادات جزئی از تکلیف دینی خود دانسته و می‌داند. برای او امر به معروف و نهی از منکر همچون نماز یومیه تعطیل‌بردار نیست. همین اعتقاد موجب شده تا حتی در این پیرانه سری نیز آن را ترک نکند.

کتاب حاضر حاصل بیش از چهل جلسه نشست و گفتگو با اوست. بیست

جلسه از این گفتگوها در سال ۱۳۸۶ با حضور چند تن از دوستان برگزار شد که حاصل آنها به همراه تعدادی از مصاحبه‌های ایشان با نشریات و رادیوهای گوناگون که به مناسبت‌های مختلف انجام شده بود و همچنین با استفاده از متن سخنرانی‌های ایشان در مجامع مختلف، تکمیل و باز نویسی شد.

بخش دوم گفتگو نیز محصول بیش از بیست جلسه نشست و گفتگو با ایشان درباره بزرگانی همچون آیات خوانساری، برادران زنجان، حاج سیدمهدی سیدقوام و... و همچنین یاران و همراهانی از قبیل دکتر صدیقی، اللهیار صالح، دکتر سنجابی، حسین نایب حسینی و... می باشد. این گفتگوها در منزل آقای شاه‌حسینی در فاصله زمانی آذر ۱۱۶۲ تا پاییز ۱۳۹۳ در جلسات متناوب انجام شده است. این مجلد بخش اول خاطرات آقای شاه‌حسینی است که خاطرات ایشان تا سال ۱۳۶۰ و کناره‌گیری از ریاست سازمان تربیت بدنی و دبیتته ملی المپیک را دربر می گیرد.

متن حاضر حاصل گفتگوهای آقای شاه‌حسینی است و در عرضه آن سعی شده است تا کمتر دخل و تصرف و یا اصلاحی در آن انجام گیرد و حتی المقدور جنبه روایی آن حفظ شود. اصلاحات متن تنها با منظور روان شدن آن و حذف پاره‌ای مطالب تکراری بوده است. هر چند به ناگزیر در بعضی موارد نکاتی تکرار شده است. این موارد یا بدان دلیل بوده که نکته یا نکاتی بر نقل پیشتر اضافه شده است که حذفش به گسستگی مطلب می‌انجامید و یا ضرورت حفظ یک سبب مطلب ایجاب می‌کرده که گاهی مطلبی تکرار شود.

هفتاد سال حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، ثروت و آمد و ارتباط با قشرهای مختلف اعم از چپ، ملی و مذهبی (اعم از سستی و نفرت) مجموعه پربهایی از خاطرات را در حافظه آقای شاه‌حسینی فراهم آورده است. تقید به حفظ حرمت افراد، انصاف در قضاوت درباره دیگران و تلاش برای بازگویی حقیقت، ویژگی‌های دیگر این مجموعه است که از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

امید آنکه بهره‌گیری از این تجربیات ملت ما و به ویژه جوانان این مرز و بوم را در یافتن بهترین راه برای آبادی و سربلندی ایران عزیز کمک‌رسان باشد.

تابستان ۱۳۹۴

امیر (بهروز) طیرانی